إعرف الحق تعرف أهله

۱۰

سلسله پژوهش های اعتقادی

نگاهی به حدیث ثقلین

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث ثقلین المجلد ۱۰

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ –

عنوان قراردادی: محاضرات فی‌الاعتقادات.فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به حدیث ثقلین / علی حسینی‌میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.

مشخصات نشر: قم: حقایق، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۸۰ص.

فروست: سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۱۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۱-۹۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخش " حدیث‌الثقلین " از کتاب " محاضرات فی‌الاعتقادات " اثر علی الحسینی‌المیلانی است.

موضوع: شیعه امامیه -- عقاید

موضوع: احادیث خاص (ثقلین)

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۲۱۱/۵/ح۵۷م۳۰۴۲۱۷ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۱۲۱۶۵

سرآغاز ... ص: ۷

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم

...آخرین و کامل‌ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از

همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۹

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۱۳

بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم

الحمد للَّه ربّ العالمین، والصّلاهٔ والسّلام علی سیّدنا ونبیّنا محمّد وآله الطیّبین الطّاهرین، ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۳

یکی از احادیث معروفی که شیعه و سنّی نقل کرده‌اند «حدیث ثقلین» است. این حدیث در منابع بسیاری نقل شده است.

تِرمذی در کتاب صحیح به سند خود، از جابر بن عبداللَّه انصاری این گونه نقل می‌کند: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

یا أَیُّهَا النَّاسُ! إنّی تَرَکْتُ فِیکُمْ ما إنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا:

کِتابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِی أهْلَ بَیْتِی. «۱»

ای مردم! من در میان شما چیزی گذاشتم که اگر بدان تمسّک

---

(۱) صحیح تِرمذی: ۶/ ۱۲۴، حدیث ۳۷۸۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۱۴

کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که خاندان من هستند.

همچنین تِرمذی در صحیح خود با سند دیگری از زید بن ارقم نقل می‌کند که رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنِّی تارِکٌ فِیکُمْ ما إنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدی، أَحَدُهُما أَعْظَمُ مِنَ الآخَرِ: کِتابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّماءِ إلَی الأرْضِ، وَعِتْرَتِی أَهْلُ بَیْتِی، وَلَنْ یَفْتَرِقَا حَتّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ، فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونی فِیهِما. «۱»

به راستی که من در میان شما چیزی را به جا می‌گذارم که اگر بدان چنگ بزنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو از دیگری باعظمت‌تر است: کتاب خدا که ریسمانی آویخته از آسمان به زمین است، و عترت و خاندان من، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

پس دقّت نمایید که بعد از من در حقّ آن دو چگونه رفتار خواهید داشت.

این دو روایت در زمره روایاتی است که از دو صحابی

---

(۱) صحیح تِرمذی: ۶/ ۱۲۵، حدیث ۳۷۸۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۱۵

پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله در کتاب صحیح ترمِذی نقل شده است.

به راستی اگر به این حدیث شریف عمل می‌شد و با مصادیق صحیحش تطبیق می‌گردید، هرگز چنین اختلافی بین امّت اسلام واقع نمی‌شد.

آری فراخوانی و دعوت به وحدت اسلامی و کنار گذاشتن اختلافات موجود میان فرقه‌های اسلامی، از اموری است که مورد اهتمام اندیشمندان اصلاح‌گر مسلمان قرار گرفته است.

در این راستا آنان برای دست‌یابی به این هدف، راه‌ها، پیشنهادها و نظریه‌هایی ارائه کرده‌اند؛ ولی حدیث شریف ثقلین بهترین وسیله برای اتّفاق و گرد هم آمدن مسلمانان می‌باشد؛ چرا که این حدیث از طرفی مورد پذیرش همه فرقه‌های اسلامی است؛ و از طرف دیگر مدلول و معنای آن واضح و روشن است.

این کتاب پژوهشی در این زمینه است که در چهار بخش به بررسی و تحقیق این حدیث شریف پرداخته است:

۱. پژوهشی در واژگان حدیث؛

۲. نگاهی به راویان حدیث؛

۳. بررسی دلالت‌های حدیث؛

۴. بررسی اشکال‌ها و ایرادهای واهی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۱۹

بخش یکم پژوهشی در واژگان حدیث ثقلین ... ص: ۱۹

واژه «ثقل» از نظر لغوی ... ص: ۱۹

این حدیث شریف، به «حدیث ثَقَلَیْن» مشهور است. واژه ثَقَلَیْن تثنیه «ثَقَل» است، و کلمه ثَقَل در لغت به معنای متاعی است که مسافر با خود حمل می‌کند.

البتّه عدّه‌ای از محدّثان و لغویان، این کلمه را «ثِقْلَیْن» - یعنی به کسر ثاء و سکون قاف- قرائت کرده‌اند، که در این صورت تثنیه

«ثِقْل» خواهد بود، و ثِقْل در لغت به معنای بار سنگین و گنج آمده است.

ولی به نظر می‌رسد کلمه «ثقلین» در این حدیث شریف، به فتح ثاء و قاف باشد.

فیروزآبادی در کتاب القاموس المحیط می‌نویسد:

ثَقَل (به حرکت قاف) به معنای متاع و کالای مسافر و نیز هر چیز نفیسی را که پنهان و محفوظش می‌دارند می‌باشد؛ و حدیثی که از پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله نقل شده است که فرمود: «إِنِّی تارِکٌ فِیکُمُ

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۰

الثَّقَلَیْنِ: کِتابَ اللّهِ وَعِتْرَتِی» از همین لغت است. «۱» این که ما ضبط نخست را بر ضبط دوم ترجیح دادیم به این جهت است که تناسب ضبط نخست (ثَقَلَیْن) با موقعیّتی که این حدیث شریف از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله صادر گردیده بیشتر است؛ چرا که مسافری که از شهری به شهر دیگری کوچ می‌کند- به خصوص که هرگز قصد بازگشت به آن شهر را نداشته باشد- اسباب و اثاثیه زندگی خود را می‌برد، و از آن جا که حمل و نقل در آن زمان به سختی و مشقّت انجام می‌گرفت و انسان نمی‌توانست تمام لوازم و اثاثیه زندگی را از جایی به جایی ببرد، ناگزیر در هنگام کوچ، به برداشتن گران‌بهاترین و نفیس‌ترین دارایی خود اکتفا می‌کرد.

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در حدیث ثقلین می‌فرماید:

إنّی قد دعیت فأجبت.

به راستی که من فرا خوانده شده‌ام و به این فراخوانی پاسخ گفته‌ام.

در نقل دیگری آمده است که فرمود:

یوشک أن ادعی فاجیب.

نزدیک است که فرا خوانده شده و به آن پاسخ مثبت دهم.

---

(۱) القاموس المحیط: ۳/ ۴۶۸، ماده «ثقل».

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۱

آن حضرت با این سخنان، از نزدیکی رحلت جانگدازش خبر می‌دهد؛ از این رو فرمود:

وإنّی تارکٌ.

همانا باقی گذاردم.

آری، قرار گرفتن آن حضرت در موقعیّت سفر آخرت، اقتضا می‌کند که عزیزترین و گران‌بهاترین اشیای خود را که قرآن و عترت است با خود ببرد؛ ولی به مقتضای رأفت و لطفی که بر امّت دارد، و از آن جایی که بر ماندگاری این دین حرص می‌ورزد، این گران‌بهاترین اشیای خود را که در طول حیات پربرکتش، نهایت اعتنا و توجّه به آن‌ها داشت، در بین امّت باقی گذاشت. بنا بر این آن چه را که به جهت مسافرت باید از این دار فانی با خود ببرد، به جهت رأفت و محبّت بی‌دریغی که به امّت دارد در بین آن‌ها باقی گذارده و می‌فرماید:

إنّی تارک فیکم الثَّقَلَیْن: کتاب اللّه وعترتی أهل بیتی.

من دو چیز گران‌بها در بین شما می‌گذارم: کتاب خدا و عترت و خاندانم.

آن گاه حضرتش این گونه توصیه می‌فرماید:

ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا.

مادامی که به آن‌ها تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۲

از این رو غرض این است که دو گوهر نفیس و گران‌بها در میان امّت باقی بماند تا امّت پس از آن حضرت گمراه نشوند.

پس با توجّه به قراین و تناسب‌های موجود در حدیث واژه «ثَقَلین» بر «ثِقْلَین» ترجیح دارد.

بررسی واژگان دیگر ... ص: ۲۲

همچنان که ملاحظه نمودید، در نقل نخست این گونه آمده است که پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

ما إنْ أَخَذْتُمْ بِهِما لَنْ تضلّوا.

و بنا بر نقل دوم آن حضرت فرمود:

ما إنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لن تضلّوا.

این دو متن در کتاب‌های دیگری نیز غیر از تِرمذی موجود است.

با توجه به تحقیقی که انجام شده است، عبارت «ما إنْ أَخَذْتُمْ» و یا عبارتی که مشتمل بر واژه «اخْذ» باشد در مدارک زیر آمده است:

مسند احمد بن حنبل، مسند ابن راهویه، طبقات ابن سعد، صحیح تِرمذی، مسند ابی یَعْلی، المعجم الکبیر طبرانی، مصابیح السنّه بغوی، جامع الاصول ابن اثیر و مصادر دیگر. «۱»

---

(۱) مسند احمد: ۳/ ۵۹، مسند ابن راهویه، به نقل از المطالب العالیه ابن حجر عسقلانی: حدیث ۱۸۷۳، الطبقات الکبری: ۲/ ۱۹۴، صحیح تِرمذی: ۶/ ۱۲۴، حدیث ۳۷۸۶، مسند ابی یعلی: ۲/ ۳۷۶، حدیث ۱۱۴۰، المعجم الکبیر: ۳/ ۶۲ و ۶۳، حدیث ۲۶۷۸ و ۲۶۸۰، مصابیح السنّه: ۴/ ۱۸۹، حدیث ۴۸۱۵، جامع الاصول: ۱/ ۲۷۷، حدیث ۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۳

و واژه «تمسّک» در مسند عبد بن حمید، تفسیر الدرّ المنثور، الجامع الصغیر و احیاء المَیْت موجود است. «۱» با مراجعه به کتاب‌های لغت درمی‌یابیم که منظور از واژه «اخْذ» و یا کلمه «تمسّک» در چنین مواردی، تبعیّت و پیروی است. علاوه بر آن کلمه «الإتّباع» نیز که در متن روایات ابن ابی شیبه در کتاب المصنَّف آمده است، به معنای همان «تبعیّت و پیروی» است. «۲» در ادامه نقل واژگان حدیث ثقلین، با نقل دیگری رو به رو می‌شویم و آن وجود واژه «الإعتصام» به جای واژه «الأَخْذ» و «التمسّک» است. خطیب بغدادی این حدیث را این گونه نقل می‌کند که پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

إنّی ترکت فیکم ما لن تضلّوا بعدی إن اعتصمتم به: کتاب اللّه وعترتی. «۳»

---

(۱) منتخب مسند عبد بن حمید: ۱۱۴، حدیث ۲۶۵، الدرّ المنثور: ۲/ ۲۸۵، احیاء المیت: ۳۶، حدیث ۷.

(۲) المصنّف: ۱۰/ ۵۰۵، حدیث ۱۰۱۲۷.

(۳) کنز العمّال: ۱/ ۱۸۷، حدیث ۹۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۴

من در بین شما چیزی را باقی گذاردم که اگر پس از من به آن تمسّک کردید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و خاندانم.

واژه «اعتصام» در قرآن، حدیث، لغت عربی و استعمالات فصیح همان معنای تمسّک است. «۱» شاهد بر این که «اعتصام» در قرآن و حدیث به معنای «تمسّک» است، روایتی است که در کتاب‌های شیعه و سنّی آمده است که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه

مبارکه‌ای که می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا». «۲»

همگی به ریسمان خدا تمسّک کرده و پراکنده نشوید؛

فرمود:

نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ.

ما همان ریسمان خداوند هستیم.

این تفسیر امام صادق علیه السلام در منابع اهل تسنّن؛ از جمله تفسیر ثعلبی و الصواعق المحرقه آمده است «۳» و آن گاه که به التفسیر الکبیر فخر رازی در ذیل این آیه مبارکه، و نیز به تفسیر الخازن و تفاسیر دیگر مراجعه کنیم،

---

(۱) الصحاح: ۴/ ۱۶۰۸، ماده «مسک»، لسان العرب: ۱۰/ ۴۸۸، ماده «مسک».

(۲) سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

(۳) الصّواعق المحرقه: ۲۳۳، شواهد التنزیل: ۱/ ۱۶۹ و ۱۷۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۵

مشاهده خواهیم کرد که آنان در هنگام تفسیر این آیه، حدیث ثقلین را متذکّر می‌شوند. «۱» البته حاکم نیشابوری نیز در المستدرک به سندی صحیح همین گونه نقل کرده است. «۲» بنا بر این، «اعتصام» همان «تمسّک»، و «تمسّک» به معنای «اتّباع و پیروی» است، و با وجوب تبعیّت و پیروی که مفاد «حدیث ثقلین» است، بدون هیچ تأمّل و نزاعی امامت و خلافت ثابت خواهد شد؛ در نتیجه علی و اهل بیت علیهم السلام خلفای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بعد از آن حضرت می‌باشند.

نکته‌ای جالب ... ص: ۲۵

نکته جالب این که در بعضی از متون حدیث ثقلین، به جای «ثقلین»، «خلیفتین» آمده است. این واژه «خلیفه»، صریح در مدّعای شیعه امامیّه می‌باشد. این متن را احمد بن حنبل در مسند، ابن ابی عاصم در کتاب السنّه و طبرانی در المعجم الکبیر آورده‌اند. «۳»

---

(۱) تفسیر الکبیر: ۸/ ۱۷۳، تفسیر الخازن: ۱/ ۲۷۷.

(۲) المستدرک: ۳/ ۱۱۰.

(۳) مسند احمد: ۵/ ۱۸۱، حدیث ۲۱۰۶۸ و ص ۱۸۹، حدیث ۲۱۱۴۵، کتاب السنّه: ۳۳۶، حدیث ۷۵۴، المعجم الکبیر: ۵/ ۵۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۶

حافظ هیثمی، بعد از نقل این حدیث از کتاب المعجم الکبیر طبرانی می گوید: همه رجال سند آن مورد وثوق و اعتماد هستند و جلال الدّین سیوطی نیز پس از نقل روایت، به صحّت سند آن تصریح می‌نماید. «۱» نکته لطیف‌تر این که: عبدالرؤوف مَناوی مصری، در کتاب فیض القدیر فی شرح الجامع الصّغیر، در شرح کلمه «عِتْرَتی» می گوید:

«عترت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله همان اصحاب کسائی هستند که خداوند متعال هر گونه پلیدی را از آن‌ها دور کرده و آنان را به طور کامل پاک فرموده است». «۲» ملاحظه می‌فرمایید که نتیجه الفاظ مختلف حدیث ثقلین، تعیین امام و خلیفه بعد از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله و بیان گر منصب خلافت و امامت خواهد بود.

نتیجه بحث ... ص: ۲۶

نتیجه سخن این که حدیث ثقلین گرچه به متن‌های گوناگون نقل شده است؛ ولی تمامیِ آن‌ها مفید یک معنا بوده و آن «امامت و خلافت» است؛ و در بین این متون، دلالت کلمه «خلیفتین» از همه صریح‌تر است

---

(۱) مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۵، الجامع الصغیر: ۱/ ۴۰۲، حدیث ۲۶۳.

(۲) فیض القدیر: ۳/ ۱۴، شرح حدیث ۲۶۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۷

که هیچ اختلافی در این مورد نیست.

به راستی چه متنی در دلالت بر امامت و خلافت از این متن صریح‌تر است، آن جا که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّی تارک فیکم خلیفتین [الخلیفتین]: کتاب اللَّه وعترتی. ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا بعدی.

به راستی که من در بین شما دو جانشین گذاردم: کتاب خدا و خاندانم. مادامی که به آن دو تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آری از این جا درمی‌یابیم که قرآن کریم و روایات صادره از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله چگونه یکدیگر را تصدیق می‌نمایند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَلَا تَفَرَّقُوا». «۱»

و همگی به ریسمان خدا تمسّک کنید و پراکنده نشوید.

و رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نیز در حدیث ثقلین می‌فرماید:

إنّی تارک فیکم الثّقلین: کتاب اللَّه وعترتی أهل بیتی، ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا بعدی أبداً.

من دو چیز گران‌بها در بین شما می گذارم: کتاب خدا و عترت

---

(۱) سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۲۸

و خاندانم. مادامی که به آن‌ها تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آن چه را که قرآن کریم به عنوان «حبل اللَّه» به تمسّک به آن امر می‌فرماید، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به عنوان «عِترتی أهل بیتی» به تمسّک به آن دستور می‌دهد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۳۱

بخش دوم نگاه به راویان حدیث ثقلین ... ص: ۳۱

راویان حدیث ثقلین ... ص: ۳۱

حدیث معروف و مشهور ثقلین، توسط راویان بسیاری نقل شده است. در میان اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله، بیش از سی نفر حدیث ثقلین را از آن حضرت نقل کرده‌اند که ما عدّه‌ای از آن‌ها را نام می‌بریم:

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام؛

۲- امام حسن مجتبی سبط اکبر علیه السلام؛

۳- سلمان فارسی؛

۴- ابوذر غفاری؛

۵- جابر بن عبداللَّه انصاری؛

۶- ابوالهیثم بن تیهان؛

۷- حذیفهٔ بن الیمان؛

۸- ابوشرحه- یا ابو سریحه- حذیفهٔ بن اسَیْد؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۳۲

۹- ابوسعید خُدْری؛

۱۰- خزیمهٔ بن ثابت؛

۱۱- زید بن ثابت؛

۱۲- عبدالرّحمان بن عوف؛

۱۳- طلحه؛

۱۴- ابوهریره؛

۱۵- سعد بن ابی وقّاص؛

۱۶- ابوایّوب انصاری؛

۱۷- عمرو بن عاص؛

۱۸- فاطمه زهرا علیها السلام، پاره تن رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله؛

۱۹- امّ سَلَمه، امّ المؤمنین؛

۲۰- امّ هانی، خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام.

حدیث ثقلین به روایت پیشوایان مشهور اهل تسنّن ... ص: ۳۲

البتّه در طول قرون متمادی، صدها نفر از مشاهیر، مفسّران، محدّثان، مورّخان و راوی‌شناسان اهل تسنّن، حدیث ثقلین را به اسانید خود از اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل کرده‌اند که به نام پنجاه نفر از آنان اکتفا می‌شود:

۱- سعید بن مسروق ثوری؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۳۳

۲- سلیمان بن مهران اعمش؛

۳- محمّد بن اسحاق، نویسنده سیره؛

۴- محمّد بن سعد، نویسنده الطبقات الکبری؛

۵- ابوبکر ابن ابی شیبه، نویسنده المصنَّف؛

۶- ابن راهویه، نویسنده المسند؛

۷- احمد بن حنبل (پیشوای حنابله) نگارنده المسند؛

۸- عبد بن حُمید، نگارنده المسند؛

۹- مسلم بن حَجّاج قُشیری، نگارنده الصحیح؛

۱۰- ابن ماجه قزوینی، نگارنده سنن المصطفی، یکی از صحاح ششگانه؛

۱۱- ابوداوود سجستانی، نگارنده السّنن، یکی از صحاح ششگانه؛

۱۲- تِرمذی، نگارنده الصحیح؛

۱۳- ابن ابی عاصم، نگارنده کتاب السنّه؛

۱۴- ابوبکر بزّار، نگارنده المسند؛

۱۵- نَسائی، نگارنده السنن؛

۱۶- ابویعلی موصلی، نگارنده المسند؛

۱۷- محمّد بن جریر طبری، نویسنده تاریخ و تفسیر؛

۱۸- ابوالقاسم طبرانی، نویسنده المعجم الکبیر، المعجم الأوسط

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۳۴

و المعجم الصغیر؛

۱۹- ابوالحسن دارقُطْنی بغدادی، پیشوای معروف؛

۲۰- حاکم نیشابوری، نگارنده المستدرک؛

۲۱- ابو نعیم اصفهانی، نویسنده کتاب‌های معروف؛

۲۲- ابوبکر بیهقی، نگارنده السنن الکبری؛

۲۳- ابن عبدالبرّ، نگارنده الاستیعاب؛

۲۴- خطیب بغدادی، نگارنده تاریخ بغداد؛

۲۵- بغوی، نویسنده مصابیح السنّه؛

۲۶- رزین عبدری، نویسنده الجمع بین الصحاح الستّه؛

۲۷- قاضی عیاض، نویسنده الشفاء؛

۲۸- ابن عساکر دمشقی، نویسنده تاریخ مدینهٔ دمشق؛

۲۹- ابن اثیر جَزَری، نویسنده اسد الغابه؛

۳۰- فخر رازی، نویسنده التفسیر الکبیر؛

۳۱- ضیاء مَقْدِسی، نویسنده المختاره؛

۳۲- ابو زکریّا نَوَوی، شارح صحیح مسلم؛

۳۳- ابوالحَجّاج مِزّی، نگارنده تهذیب الکمال؛

۳۴- شمس الدّین ذهبی، نگارنده کتاب‌های معروف؛

۳۵- ابن کثیر دمشقی، نگارنده تفسیر و تاریخ؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۳۵

۳۶- نورالدّین هیثمی، نگارنده مجمع الزوائد؛

۳۷- جلال الدّین سیوطی، نگارنده کتاب‌های معروف؛

۳۸- شهاب الدّین قسطلانی، شارح صحیح بُخاری؛

۳۹- شمس الدّین صالحی دمشقی، شاگرد جلال الدّین سیوطی، نویسنده سبل الهُدی والرشاد؛

۴۰- ابن‌حجر عسقلانی، نگارنده کتاب‌های معروف و معتبر نزد عامّه؛

۴۱- شمس الدّین ابن طولون دمشقی؛

۴۲- شهاب الدّین ابن حجر مکّی، نویسنده الصواعق المحرقه؛

۴۳- متّقی هندی، نگارنده کنز العمّال؛

۴۴- ملّا علی قاری هروی، نویسنده مرقاهٔ المفاتیح فی شرح مشکاهٔ المصابیح؛

۴۵- عبدالرؤوف مَناوی، نویسنده فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر؛

۴۶- حلبی، نویسنده السیرهٔ الحلبیّه؛

۴۷- زینی دَحْلان، نگارنده السیرهٔ الدحلانیّه؛

۴۸- منصور علی ناصف، نگارنده التاج الجامع للاصول؛

۴۹- شیخ یوسف نبهانی، نویسنده کتاب‌های متعدد؛

۵۰- مبارک پوری هندی، شارح صحیح تِرمذی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۳۶

گفتنی است که اینان پنجاه تن از مشاهیر اهل تسنّن بودند که در قرون مختلف و متمادی حدیث ثقلین را روایت کرده‌اند و این تعداد، حدود ۱۱۰ راویان این حدیث شریف از بزرگان و مشاهیر آن‌هاست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۳۹

بررسی دلالت های حدیث ثقلین حدیث ثقلین ... ص: ۳۹

حدیث ثقلین بیان‌گر امامت و خلافت ... ص: ۳۹

ما پیش‌تر- به طور اجمال- متن‌های مختلف «حدیث ثقلین» را بررسی کردیم و روشن شد که این حدیث شریف، بیان‌گر خلافت و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام است. همچنین بیان شد که این حدیث شریف به جهت وجود واژه «خلیفتین»، به امامت و خلافت تصریح دارد.

کیفیّت دلالت واژگانی مانند: «الأخذ»، «التمسّک»، «الاعتصام» و مواردی از این قبیل بدین گونه است:

چون این الفاظ دلالت بر وجوب تبعیّت، پیروی و اطاعت مطلق و بدون قید و شرط می‌نمایند، ناگزیر مفاد حدیث به دلالت التزامی بیان‌گر امامت و خلافت خواهد بود؛ زیرا شکّی نیست که بین اطاعت مطلق و امامت و خلافت، تلازم و همبستگی تامّ و غیر قابل انکار وجود دارد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۴۰

برای تثبیت آن چه بیان شد، می‌توان به بیانات شارحان «حدیث ثقلین»، از بزرگان و مشاهیر اهل تسنّن مراجعه نمود؛ افرادی همچون:

مَنّاوی در فیض القدیر فی شرح جامع الصغیر، ملّا علی قاری در المرقاهٔ فی شرح المشکاهٔ، و قاضی عیاض در نسیم الریاض و کتاب‌هایی همچون: شرح المواهب اللّدُنّیّه، السراج المنیر فی شرح الجامع الصغیر، الصواعق المحرقه، جواهر العقدین و منابعی دیگر.

گفتنی است که نگارندگان این آثار، پس از شرح حدیث ثقلین تصریح نموده‌اند که طبق این حدیث پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله

مردم را به بهره بردن از هدایت‌های اهل بیت علیهم السلام، فراگیری از دانش آنان و پیروی از آن‌ها برانگیخت و به این امور دستور داد.

دیدگاه بزرگان اهل سنّت در دلالت حدیث ... ص: ۴۰

همان گونه که بیان شد، بزرگان اهل تسنّن در کتاب‌های خود، دلالت حدیث ثقلین را بیان کرده‌اند. برای نمونه، کلام چند تن از آنان را می‌آوریم:

مَنّاوی می گوید:

حدیث ثقلین به صراحت و بدون هیچ گونه ابهامی دلالت دارد بر این که قرآن و عترت علیهم السلام به سان دو فرزندی هستند که با یکدیگر زاده شده‌اند. پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله آنان را در بین امّت گذاشته و به

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۴۱

آن‌ها توصیه فرموده که با آن دو به نیکی رفتار نمایند و حقّ آن دو را بر خودشان مقدّم کرده و در امور دین‌شان به آن دو تمسّک جویند. «۱» ملّا علی قاری در شرح حدیث شریف چنین می‌نگارد:

معنای تمسّک به عترت علیهم السلام، همان دوستی آنان و هدایت یافتن به راه، روش و دستورات آنان است. «۲» زرقانی مالکی (که یکی از محقّقین اهل تسنّن در حدیث است) چنین می گوید:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در حدیث ثقلین، سفارش و وصیت خود را تأکید و تقویت کرد و فرمود:

فانظروا بِمَ تخلفونی فیهما بعد وفاتی؟ هل تتّبعونهما فتسرّونی أو لا، فتسیئونی؟ «۳»

ببینید پس از من چگونه این دو را پاس می‌دارید؟ آیا از آن دو تبعیّت و پیروی می کنید و موجبات خشنودی مرا فراهم می‌آورید، یا از راه و روش این دو گوهر گران‌بها روی برتافته و با این عمل مرا اندوهناک می‌سازید؟

---

(۱) فیض القدیر: ۳/ ۱۵.

(۲) مرقاة المفاتیح: ۱۰/ ۵۳۱.

(۳) شرح المواهب اللّدُنیّة: ۷/ ۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۴۲

حدیث ثقلین بیان‌گر اعلمیّت اهل بیت ... ص: ۴۲

علیهم السلام

ابن حجر مکّی پیرامون مفاد «حدیث ثقلین» می‌نویسد:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله با این فرمایش، امّت را به اقتدا، تمسّک و فراگیری از علم سرشار این دو منبع دانش فرمان می‌دهند. «۱» از این رهگذر، یکی از اموری را که حدیث ثقلین افاده می کند، وجوب تعلّم از «عترت» علیهم السلام است؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که حدیث ثقلین، بر اعلمیّت اهل بیت علیهم السلام دلالت می‌نماید، و اعلمیّت نیز به مورد خاصّی و ظرف مخصوصی مقیّد نیست.

به سخن دیگر: اعلمیّت، اعلمیّت مطلق است و اعلمیّت مطلق، مستلزم افضلیّت و برتری اهل بیت علیهم السلام است؛ و افضلیّت و برتری، مستلزم امامت آنان خواهد بود؛ از این رو همه اصحاب پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله مأمورند که در مسایل علمی و

دینی به خاندان نبوّت علیهم السلام رجوع نمایند؛ همچنان که مأمور به تبعیّت، پیروی و اطاعت از آنان می‌باشند.

از سوی دیگر در بعضی از متونی که بزرگان محدّثان عامّه

---

(۱) الصواعق المحرقه: ۲۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث ثقلین، ص: ۴۳

از جمله: طبرانی در المعجم الکبیر، «۱»

هیثمی در مجمع الزوائد، «۲»

ابن اثیر جَزَری در اسد الغابه «۳»

و ابن حجر مکّی در الصواعق المحرقه «۴»

نقل کرده‌اند، به این موضوع تصریح شده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله پس از آن که فرمود:

إنّی تاركٌ فیكم الثّقلین: كتاب اللَّه وعترتی أهل بیتی، ما إن تمسّكتم بهما لن تضلّوا بعدی أبداً.

چنین اضافه کرد:

فلا تقدّموهما فتهلكوا، ولا تقصّروا عنهما فتهلكوا، ولا تعلّموهم فإنّهم أعلم منكم.

بنا بر این بر کتاب و عترت علیهم السلام پیشی نگیرید که هلاک خواهید شد؛ و در حقّ آن دو کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد؛ و به عترتم چیزی نیاموزید؛ زیرا که آنان از شما داناترند.

بنا بر این، آن چه را که نتیجه گرفتیم، مورد تصریح بزرگان اهل سنّت و شارحان حدیث قرار گرفته است. به عنوان نمونه ملّا علی

---

(۱) المعجم الکبیر: ۵/ ۱۶۶ و ۱۶۷.

(۲) مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۴.

(۳) اسد الغابه: ۲/ ۱۳.

(۴) الصواعق المحرقه: ۲۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث ثقلین، ص: ۴۴

قاری در کتاب مرقاة المفاتیح می‌نویسد:

روشن است که در غالب موارد عرفی، افراد نزدیک‌تر به صاحب خانه، از حالات و خصوصیّات او بهتر آگاهی دارند تا دیگران؛ پس منظور از عترت، دانشمندان و عالمان از خاندان نبوّت می‌باشند که بر راه و روش رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله اطّلاع کامل دارند، و دانش و حکمت آن بزرگوار نزد آنان می‌باشد. به همین جهت، آن‌ها قرین و عِدل کتاب خدای سبحان قرار داده شده‌اند؛ همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَیُعَلِّمُهُمُ الكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». «۱»

به آنان کتاب و حکمت را می‌آموزد.

ابن حجر مکّی نیز در کتاب الصواعق المحرقه، بعد از نقل حدیث ثقلین چنین می‌گوید:

این فرمایش حضرت که فرموده‌اند: «فلا تقدّموهم فتهلكوا ولا تقصروا عنهم فتهلكوا ولا تعلّموهم فإنّهم أعلم منكم؛ از آنان پیشی نگیرید که هلاک خواهید شد؛ و در حق آنان کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد؛ و چیزی به آنان نیاموزید؛ زیرا که آنان از شما داناترند» دلیل

(۱) سوره بقره: آیه ۱۲۹، سوره آل عمران: آیه ۱۶۴، سوره جمعه: آیه ۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۴۵

است بر این که در میان خانواده خاصّ رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله، هر که اهلیّت و شایستگی مراتب عالی و قدرت تأمین خواسته‌های دینی مردم را داراست بر دیگری مقدّم است.

نتیجه این که: «حدیث ثقلین» به اعتبار آن فراز که دلالت بر وجوب تعلّم از «عترت» می‌نماید، بیان‌گر امامت خاندان نبوّت علیهم السلام و تقدّم آنان بر دیگران است، که این نیز از اموری است که می‌توان برای اثبات آن به «حدیث ثقلین» تمسّک جست.

حدیث ثقلین بیان‌گر عصمت اهل بیت ... ص: ۴۵

علیهم السلام

همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله «عترت» را قرین و همدوش قرآن کریم قرار داده‌اند که از این رهگذر، این حدیث بر دو نکته اساسی دلالت می‌کند:

۱- عصمت اهل بیت علیهم السلام؛

۲- وجود امامی از اهل بیت علیهم السلام در تمام زمان‌ها؛

به این بیان که آن امام صلاحیّت برای امامت و خلافت و جانشینی رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله داشته و پیشوا و رهبر مردم باشد، که تمامی افراد امّت، بتوانند در اموری دینی و امور مورد نیاز خود را از او فرا گیرند و تا قرآن باقی و موجود است، ناگزیر چنین امامی از اهل بیت علیهم السلام نیز در کنار قرآن خواهد بود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۴۶

البتّه بحث از عصمت، و نیز بحث از امامت سایر ائمّه علیهم السلام- غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام- و این که باید همراه قرآن امامی باشد که اهلیّت تصدّی منصب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را در میان امّت داشته باشد، هر یک پژوهش جداگانه و مبسوطی را می‌طلبد. «۱»

اقتران حدیث ثقلین با احادیث دیگر ... ص: ۴۶

اکنون برای کامل شدن بحث پیرامون «حدیث ثقلین» به مطالبی اشاره می‌کنیم.

مطلب نخست: «حدیث ثقلین» در موارد زیادی، توأم با احادیثی وارد شده است که آن احادیث به طور جداگانه از نظر سند متواتر بوده و دلالتشان بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار واضح و روشن است؛ بلکه در بعضی از متون، بر امامت و خلافت بلافصل آن بزرگوار تصریح دارد و ورود «حدیث ثقلین» در ضمن این احادیث- به قرینه وحدت سیاق- نشان‌گر این است که مدلول «حدیث ثقلین»، در بیان اثبات امامت و خلافت است، و در جای خود (در مباحث اصول فقه) اثبات گردیده است که وحدت سیاق در صورتی که قرینه قطعی

(۱) گفتنی است که این دو عنوان نیز در سلسله پژوهش‌های اعتقادی، جداگانه از همین نگارنده، نگارش یافته‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۴۷

برخلاف آن نباشد، حجّت بوده و مورد قبول عقلاست.

از موارد اقتران می‌توان به اقتران این حدیث با حدیث غدیر اشاره کرد که متّقی هندی در کنز العمّال از ابن جریر طبری، ابن ابی عاصم و محاملی «۱» چنین نقل می‌کند:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در روز غدیر، در حالی که دست علی علیه السلام در دستش بود فرمود:

أيّها الناس! ألستم تشهدون أنّ اللَّه ورسوله أولى بكم من أنفسكم وأنّ اللَّه ورسوله مولاكم؟

ای مردم! آیا شما گواهی نمی‌دهید که به راستی خدا و پیامبرش از شما نسبت به خودتان اولی‌تر و شایسته‌تر است و خدا و پیامبرش مولای شماست؟

گفتند: چرا.

فرمود:

فمن كان اللَّه ورسوله مولاه فإنّ هذا مولاه، وقد تركت فيكم ما إن أخذتم بهما لن تضلّوا بعدى: كتاب اللَّه وأهل بيتى. «۲»

---

(۱) وی محدّثی بزرگ از محدّثان اهل سنّت است که این حدیث را در کتاب امالی خود صحیح دانسته است.

(۲) کنز العمّال: ۱۳/ ۱۴۰، حدیث ۳۶۴۴۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۴۸

پس کسی که خداوند و رسولش مولای او هستند، پس به راستی که این شخص (علی علیه السلام) مولای اوست. همانا من در میان شما دو چیز قرار دادم که اگر پس از من از آن دو پیروی نمایید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و اهل بیتم.

البته اقتران حدیث ثقلین به حدیث غدیر، در مصادر بسیار دیگری نیز آمده است. «۱» ابن حجر در کتاب الفتاوی الفقهیّه، «۲» سه حدیث ثقلین، غدیر و منزلت را در یک سیاق نقل کرده است که هریک از این سه حدیث شریف به طور جداگانه، دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌کند.

وصیّت به قرآن کریم و عترت در موارد مختلف ... ص: ۴۸

مطلب دوم: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله توصیه به قرآن و عترت علیهم السلام را در موارد مختلف و جاهای متفاوت تکرار فرموده‌اند که به چهار مورد آن اشاره می‌شود.

مورد نخست: هنگام بازگشت از شهر طائف.

---

(۱) ر. ک المعجم الکبیر: ۵/ ۱۶۶ و ۱۶۷، حدیث ۵۰۷۰، کنز العمّال: ۱۳/ ۱۴۰، به نقل از مسند ابن راهویه، المستدرک: ۳/ ۱۰۹، نوادر الاصول: ۱/ ۲۵۸، الإصابه: ۴/ ۸۰، اسد الغابه: ۳/ ۲۸، السیرة الحلبیّه: ۳/ ۲۷۴.

(۲) الفتاوی الفقهیّه: ۲/ ۹۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۴۹

این مورد را ابن ابی شیبه ذکر کرده است و ابن حجر مکّی نیز در کتاب الصواعق المحرقه «۱»

از او نقل می‌کند.

مورد دوم: در حجّة الوداع و به طور مستقل در روز عرفه.

این مورد را متّقی هندی در کنز العمّال «۲»

از ابن ابی شیبه نقل می‌کند. همچنین تِرمذی در صحیح، «۳»

طبرانی در کتاب المعجم الکبیر، «۴»

ابن اثیر جَزَری در کتاب جامع الاصول «۵»

و افراد دیگری آورده‌اند.

مورد سوم: هنگام بازگشت از حجّهٔ الوداع، در روز غدیر خم و در ضمن خطبه طولانی و مفصّل غدیر.

این مورد را احمد بن حنبل در المسند، «۶»

دارمی در السّنن، «۷»

بیهقی در السّنن الکبری، «۸»

ابن کثیر در البدایهٔ والنّهایه «۹»

و دیگران

---

(۱) الصواعق المحرقه: ۲۳۱.

(۲) کنز العمّال: ۱/ ۱۸۸، حدیث ۹۴۴.

(۳) صحیح تِرمذی: ۶/ ۱۲۴، حدیث ۳۷۸۶.

(۴) المعجم الکبیر: ۳/ ۶۳، حدیث ۲۶۷۹.

(۵) جامع الاصول: ۱/ ۲۷۷.

(۶) مسند احمد: ۳/ ۱۷.

(۷) سنن دارمی: ۲/ ۳۴۲.

(۸) السنن الکبری: ۲/ ۱۴۸.

(۹) البدایهٔ والنهایه: ۵/ ۲۰۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۵۰

نقل کرده‌اند.

مورد چهارم: هنگام رحلت جانگدازشان، در حالی که حجره شریف مملوّ از جمعیّت بود.

وقایع مربوط به این مورد را ابن ابی شیبه، بزّار، ابن حجر مکّی و دیگران نقل کرده‌اند. «۱»

دعوت به اتّحاد در پرتو تعلیمات حدیث ثقلین ... ص: ۵۰

مطلب سوم: جدّ بزرگوار ما فقیه اهل بیت علیهم السلام، سیّد محمّد هادی میلانی رحمه اللّه نقل می‌فرمودند که یکی از بزرگان علمای شیعه در نجف اشرف، «۲» برای ایجاد اتّحاد بین فرقه‌های اسلام پیش‌قدم شدند.

جدّ ما می‌فرمود: ما به ایشان و امثال ایشان اصرار داشتیم که راه درست اتّحاد بین فرقه‌های اسلامی و تقارب بین مذاهب، منحصر در التزام به تبعیّت، پیروی و به کار بستن مفاد «حدیث ثقلین» است؛ زیرا فرض این است که این حدیث شریف نزد شیعه و سنّی از نظر صدور

---

(۱) سمط النّجوم العوالی: ۳/ ۶۳، حدیث ۱۳۶، به نقل از ابن ابی شیبه، کشف الاستار عن زوائد البزّار: ۳/ ۲۲۱، حدیث ۲۶۱۲، الصّواعق المحرقه: ۸۹.

(۲) علّامه شیخ محمّد حسین کاشف الغطاء رحمه اللَّه (۱۳۷۳ ه).

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۵۱

و صحّت مورد اتّفاق است، گرچه قائل به تواتر آن نباشیم، در حالی که این حدیث شریف به یقین متواتر و مورد قبول در نزد طرفین بوده و از نظر دلالت هم هیچ نکته ابهامی در آن نیست.

بنا بر این امری که صدورش از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله قطعی است و دلالتش نیز بر مدّعای یکی از طرفین- که شیعه باشد- تامّ و بدون ابهام و اشکال است؛ چنین وجهی جامع و محوری اساسی برای اتّحاد بین فرقه‌ها کافی است. از این رو چرا آن را رها کرده و به آرا، پیشنهادها و راه‌های دیگری رو آوریم که نه بهره‌ای دارند و نه ما را به هدف می‌رسانند.

جدّ ما رحمه اللَّه همواره می‌فرمودند:

ما بر این معنا اصرار فوق العاده داشتیم و در قبال ما، بزرگواری که رهبری اندیشه تقریب را به عهده داشت، پیشنهاد دیگری را در نظر داشت، تا این که وی برای انجام مقصود خود به دیار اهل خلاف سفر نمود و پس از بازگشت، به طور صریح اعتراف کرد که راه درست اتّحاد بین فرقه‌های مسلمان فقط همین راه است و برای علاج این مشکل چاره‌ای جز رجوع به «حدیث ثقلین» و امثال آن نیست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۵۲

چکیده سخن ... ص: ۵۲

چکیده آن چه بیان شد چنین است:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از فرا رسیدن وفات و نزدیک شدن رحلت جانگدازش خبر داد و گران‌بهاترین و پرارزش‌ترین اشیا (قرآن کریم و عترت و خاندانش) را در میان امّت باقی گذارد و این دو یادگار گران‌بها، ضامن هدایت ابدی امّت خواهند بود که در اثر پیروی و تبعیّت از این دو ثقل، هرگز امّت اسلام به ضلالت نخواهند افتاد.

شاهد بر عدم ضلالت ابدی، به کار بردن حرف «لَنْ» است که بیان‌گر نفی ابَد می‌باشد. این حرف در متون مختلف «حدیث ثقلین» موجود است، آن جا که فرمود:

ما إن تمسّکتم بهما؛ ما إن أخذتم بهما لن تضلّوا...

مادامی که به آن تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

آن گاه پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله امّت را در تنگنای پرسش از این دو قرار داد و تأکید فرمود که کنار حوض کوثر، از شما خواهم پرسید که با این دو چگونه رفتار کرده‌اید، و آیا حقّ مرا در ارتباط با آن دو رعایت کرده‌اید یا نه؟

شاید پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در آن وعده و ملاقات به منصب سقایت آب کوثر توسّط امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره فرموده که

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۵۳

علی علیه السلام منافقان را از نوشیدن آن آب منع خواهد فرمود.

همچنین به نظر می‌رسد که آن بزرگوار با این فرمایش، به حدیث مشهوری اشاره فرموده که مورد پذیرش شیعه و اهل سنّت است و در صحاح نیز آمده است که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

سیرد عَلَیّ أصحابی وأنّهم یذادون عن الحوض وأقول: یا ربّ! هؤلاء أصحابی، فیقول: إنّک لا تدری ما أحدثوا من بعدک.

به زودی اصحاب من در روز قیامت بر من وارد خواهند شد که آن‌ها را از حوض می‌رانند و دور می‌کنند. من می‌گویم:

پروردگارا! اینان اصحاب من هستند؟

خداوند متعال می‌فرماید: نمی‌دانی بعد از تو چه کارهایی انجام دادند. «۱»

---

(۱) صحیح بخاری: ۶/ ۹۶، ۸/ ۱۳۶ و ۱۴۸، ۹/ ۵۸، صحیح مسلم: ۴/ ۱۷۹۳، مسند احمد: ۱/ ۴۵۳، ۳/ ۲۸، ۵/ ۵۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۵۷

بخش چهارم بررسی اشکال‌ها و ایرادها واهی بر حدیث ثقلین ... ص: ۵۷

اشکال‌ها و ایرادها ... ص: ۵۷

آن گاه که به کتاب‌های اهل تسنّن مراجعه می کنیم، درمی‌یابیم که آنان به پنج طریق خواسته‌اند استدلال‌های شیعه به «حدیث ثقلین» را باطل کنند. ما اکنون به ذکر آن‌ها پرداخته و در پایان هر طریق، جواب آن را نیز بیان خواهیم کرد.

تضعیف حدیث ... ص: ۵۷

نخستین طریق، طریق ابوالفرج ابن جوزی است. وی کتابی به نام العِلَل المتناهیه فی الأحادیث الواهیه دارد که در آن، احادیثی را که به خیال خود ضعیف بوده و از نظر سند مخدوش است آورده است. او حدیث ثقلین را از جمله آن احادیث قرار داده است. وی این حدیث شریف را با یک سند نقل کرده و پس از آن در سلسله سند حدیث خدشه نموده است. «۱»

---

(۱) العلل المتناهیه فی الاحادیث الواهیه: ۱/ ۲۶۸، حدیث ۴۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۵۸

ما تاکنون غیر از ابن جوزی، فرد دیگری را سراغ نداریم که حدیث ثقلین را از نظر سند تضعیف کند؛ از این رو جای هیچ گونه شگفتی نیست که تضعیف وی مردود است، به گونه‌ای که شمار بسیاری از بزرگان و محقّقان اهل تسنّن بعد از ابن جوزی، او را در این کار تخطئه کرده و عملش را مردود دانسته‌اند.

اکنون فقط به ذکر اسامی معدودی از کسانی که ابن جوزی را به جهت تضعیف سند حدیث ثقلین تخطئه کرده‌اند اشاره می کنیم:

۱- سبط ابن جوزی- نواده دختری او- در کتاب تذکرهٔ الخواصّ؛

۲- حافظ سخاوی در کتاب استجلاب ارتقاء الغرف؛

۳- حافظ سَمْهودی در کتاب جواهر العقدین؛

۴- ابن حجر مکّی در کتاب الصّواعق المحرقه؛

۵- عبدالرّؤوف مَناوی در کتاب فیض القدیر؛ «۱»

همه اینان گفته‌اند که ابن جوزی در تضعیف این حدیث خطا کرده است؛ آن گاه او را در این رفتار تخطئه کرده و دیگران را از پیروی از روش او بر حذر داشته‌اند، تا جایی که یکی از بزرگان اهل تسنّن

---

(۱) ر. ک استجلاب ارتقاء الغرف: ۸۳ جواهر العقدین: ق ۲، ۱/ ۷۳، الصواعق المحرقه: ۲۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۵۹

گوید: «بپرهیز از کاری که ابن جوزی انجام داده فریب بخوری».

افزون بر این که ابوالفرج ابن جوزی شخصی است که در نزد بزرگان اهل تسنّن، به تعصّب و عنادورزی نسبت به حقّ، معروف و مشهور است و همگان نیز متّفقند که این شخص در تضعیف احادیث یا جعلی شمردن آن‌ها بی‌پروایی خاصّی داشته است. از این رو تمام آنان، ابن جوزی را در این رفتار تخطئه نموده و دیگران را از پیروی از روش او جدّاً بر حذر داشته‌اند.

البته ما پیش‌تر مصادر معتبر «حدیث ثقلین» را ذکر کردیم، و گفتیم که این حدیث در منابع بسیاری آمده است. از جمله افرادی که به صحّت این حدیث اشاره کرده‌اند می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد:

۱- مسلم بن حَجّاج در کتاب صحیح مسلم، که البتّه- همان طور که بیان شد- حدیث را ناقص نقل کرده است؛

۲- تِرمذی در صحیح؛

۳- ابن خزیمه (که در نزد اهل تسنّن به امام ائمّه حدیث مشهور است) در کتاب صحیح؛

۴- ابو عَوانه در کتاب المسند؛

۵- حُمَیدی در کتاب الجمع بین الصّحیحین؛

۶- رزین بن معاویه عبدری در کتاب تجرید الصّحاح؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۶۰

۷- حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک؛

۸- ابن اسحاق در کتاب سیره؛

۹- ضیاء مَقْدِسی در کتاب المختاره؛

۱۰- بغوی در مصابیح السّنّه؛

۱۱- محاملی؛

۱۲- ابن النجّار؛

۱۳- نَوَوی؛

۱۴- حافظ مِزّی؛

۱۵- شمس الدّین ذهبی؛

۱۶- ابن کثیر دمشقی؛

۱۷- حافظ هیثمی؛

۱۸- جلال الدّین سیوطی؛

۱۹- شهاب قسطلانی؛

۲۰- ابن حجر مکّی؛

۲۱- عبدالرّؤوف مَنّاوی؛

۲۲- زرقانی مالکی؛

۲۳- ولی اللّه دهلوی.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۶۱

ناشناخته بودن متن حدیث ... ص: ۶۱

طریق دوم را ابوعبداللَّه بُخاری پیموده است. وی به ناشناخته بودن متن حدیث حکم کرده و در کتاب التاریخ الصّغیر «۱» چنین می‌نویسد:

قال أحمد فی حدیث عبدالملک عن عطیّهٔ عن أبی سعید: قال النبی صلی اللَّه علیه وآله: «ترکت فیکم الثقلین».

قال: أحادیث الکوفیین هذه مناکیر.

دربـاره روایتی که عبـدالملک، از عطیّه، از ابی سـعید خُـدری، از رسول خـدا صـلی اللَّه علیه وآله نقـل شـده که فرمود: «من دو چیز گران‌بها برای شـما به جای گـذاردم»؛ احمـد بن حنبل می گویـد: این گونه احادیث که از کوفیان نقل شده است، از نظر متن منکَر و ناشناخته است.

پاسخ از این اشکال

ما این اشکال را از دو جهت پاسخ می‌دهیم:

۱. نسبت این کلام- یعنی منکَر شمردن «حدیث ثقلین» - به احمد بن حنبل دروغ محض است؛ زیرا که خود احمد این حدیث

---

(۱) التاریخ الصغیر: ۱/ ۳۰۲.

شریف را در کتاب المسند «۱»

و نیز در کتاب فضائل الصّحابه، با اسانید بسیاری و از عدّه زیادی از صحابه نقل می کند. پس چگونه ممکن است که شخصی مانند احمد بن حنبل، با این گستردگی حدیث را روایت نماید و در عین حال این حدیث را از جهت متن منکَر وناشناخته بشمارد؟ احمد بن حنبل کجا و چه زمانی این حدیث را انکار کرده است؟

۲- آری متن حدیث ثقلین در نزد بُخاری منکر و ناشـناخته است؛ زیرا حدیثی است که بدون هیچ ابهامی بیان‌گر امامت امیرالمؤمنین و اهـل بیتش علیهم السلام می‌باشـد. حـدیثی است که بر اعلمیّت، افضـلیّت، همتـای قرآن بودن، عصـمت اهل بیت علیهم السـلام و مواردی از این قبیل- که در حدیث موجود است- دلالت می‌نماید.

تحریف حدیث ... ص: ۶۲

سومین راهی که برای بی‌اعتبار کردن «حدیث ثقلین» به کار برده‌اند، تحریف حدیث شـریف است. البتّه تحریف به معنای نقصان؛ به این معنا که قسـمتی از حدیث را که دلالت «حدیث ثقلین» مبتنی بر آن است، حذف کرده و نقل ننموده‌اند. از کسانی که این راه را پیموده‌اند

---

(۱) مسند احمد: ۳/ ۱۷ و ۵۹، ۵/ ۱۸۱.

مسلم بن حَجّاج در کتاب صحیح «۱»

و خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد است.

خطیب بغدادی در کتاب تاریخ می‌نویسد:

مطیّن، از نصر بن عبدالرحمان، از زید بن حسن، از معروف از ابوطفیل این گونه نقل می کند که حذیفهٔ بن اسَید گوید:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

یـا أیّهـا النّـاس! إنّی فرط لکم وأنتم واردون علیّ الحوض، وإنّی سـائلکم حین تردون علیّ عن الثّقلین، فـانظروا کیف تخلفونی فیهما: الثّقل الأکبر کتاب اللَّه، سبب طرفه بید اللَّه وطرفه بأیدیکم، فاستمسکوا به ولا تضلّوا ولا تبدّلوا. «۲»

ای مردم! به راستی که من پیش از شـما از دنیـا می‌روم و شـما کنـار حوض کوثر بر من وارد می‌شویـد، و من هنگـام ورودتان از دو گوهر گران‌بهـا که در میـان شـما به ودیعت گذاشته بودم خواهم پرسـید. نیک دقّت کنیـد که چگونه حقّ مرا درباره آن دو رعایت کرده‌اید؟! یکی از آن دو کتاب خداوند متعال (قرآن کریم)

---

(۱) صحیح مسلم: ۷/ ۱۲۲.

(۲) تاریخ بغداد: ۸/ ۴۴۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۶۴

است؛ ریسـمانی که یک طرفش به دست خداونـد و طرف دیگرش در دست شـماست. به آن تمسّک کنیـد و گمراه نشوید و آن را دگرگون نسازید.

همان طور که ملاحظه می‌شود، با این که در صـدر حدیث از «ثقلین» نام برده شده؛ ولی در ذیل آن، از این دو گوهر گران‌بها، فقط یک مورد آن یعنی «کتاب اللَّه» اشاره و از ذکر دیگری خودداری شده است.

جـالب این که این حـدیث، بـا همین سـندی که خطیب در کتـابش آورده است، بـدون کوچکترین تفاوتی در تمامی سـند، در سایر مصادر اهل تسنّن موجود است و در ذیل آن، از «ثقل» دیگر نیز نام برده شده است که ما فقط به یک منبع اکتفا می‌نماییم.

حکیم تِرمذی در نوادر الاصول، حدیث شریف را با همین سند چنین نقل می‌کند:

...إنّی فرطکم علیّ الحوض وإنّی سـائلکم حین تردون علیّ عن الثقلین، فانظروا کیف تخلفونی فیهما: الثقل الأکبر کتاب اللَّه، سـبب طرفه بیـد اللَّه وطرفه بأیـدیکم، فاستمسـکوا به ولاـ تضـلّوا ولا تبـدّلوا؛ وعترتی أهل بیتی، فإنّی قـد نبّأنی اللّطیف الخبیر أنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض. «۱»

---

(۱) نوادر الاصول: ۱/ ۲۵۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۶۵

...به راستی که من پیش از شـما از دنیـا می‌روم و شـما کنار حوض کوثر بر من وارد خواهیـد شـد. من هنگام ورودتان از دو گوهر گران‌بها که میان شما به ودیعت نهاده بودم، خواهم پرسید. نیک دقّت کنید که چگونه حقّ مرا درباره آن دو رعایت کرده‌اید؟

یکی از آن دو، کتـاب خداونـد متعـال (قرآن کریـم) است؛ ریسـمانی که یـک طرفش به دست خداونـد متعـال و طرف دیگرش در دست شـماست. پس به آن تمسّک کنیـد و گمراه نشوید و آن را دگرگون نسازید و دیگری عترتم که اهل بیت من هسـتند. پس به راستی که خداونـد آگـاه و دانایِ رازها به من خبر داد که این دو از یکـدیگر جـدا نمی‌شونـد تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

خوانندگان گرامی! داوری کنید و به این دو نقل توجّه نموده و با یکدیگر مقایسه نمایید. آیا خود خطیب بغدادی در حدیث شریف تصرّف کرده است یا ناسخان و یا ناشران؟ خداوند داناتر است.

البتّه ذکر جمیع مواردِ تحریف نیاز به مجالی وسیع‌تر و تألیف جداگانه‌ای است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۶۶

معارضه با احادیث دیگر ... ص: ۶۶

چهارمین راهی که اهل سنّت برای بی‌اعتبار کردن «حدیث ثقلین» به کار گرفته‌اند، معارضه است؛ معارضه با احادیثی که خود در کتاب‌هایشان روایت می‌کنند.

البتّه از اعتبار افتادن حدیثی در اثر وجود معارضی که از نظر سند و دلالت، همتا و همسنگ با آن حدیث باشد امری مطابق قاعده و صناعت بوده و مورد قبول همه محقّقین است؛ ولی- همچنان که پیش‌تر اشاره شد- می‌گوییم: معارضه، فرع حجیّت است. به این معنا که دو حدیث متعارض، از نظر سند و دلالت باید تمام باشند و حجیّت هر یک مسلّم باشد تا نوبت به معارضه برسد در نتیجه یکی درست و دیگری نادرست باشد. وگرنه اگر یکی از احادیث نسبت به دیگری ترجیح داشته باشد، و اگر یکی از احادیث صحیح باشد و دیگری غیر صحیح باشد، نوبت به معارضه نخواهد رسید.

اکنون می‌پرسیم حدیث ثقلین یا همان حدیث وصیّت به قرآن و اهل بیت علیهم السلام با کدام حدیثی در تعارض است؟

مهم‌ترین حدیثی که به عنوان معارض برای حدیث ثقلین مطرح شده است، دو حدیث است:

۱- حدیث اقتدا به شیخین؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۶۷

۲- حدیث ثقلینی که در آن به جای کلمه «عترت و اهل بیت»، کلمه «سنّت» آمده است.

حدیث نخست را از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل می‌کنند که آن حضرت فرمود:

اقتدوا باللّذین من بعدی؛ أبی بکر وعمر. «۱»

به دو نفری که پس از من هستند اقتدا کنید؛ ابوبکر و عمر.

این حدیث در برخی از منابع اهل تسنّن نقل شده است. آنان این گونه مدّعی هستند که این حدیث بر وجوب اقتدا به شیخین دلالت می‌کند، و «حدیث ثقلین» نیز بر وجوب تمسّک به قرآن و عترت؛ پس ناگزیر بین این دو حدیث تعارض برقرار است.

ما در پاسخ این ایراد به نقد و بررسی این حدیث پرداخته و گفتار جداگانه‌ای را نوشته‌ایم. «۲» خلاصه بررسی ما پیرامون حدیث اقتدا به شیخین، ضعف سندی آن است که بزرگان جرح و تعدیل و عالمان مورد قبول اهل سنّت به ضعیف بودن تمامی راویان آن و به مجعول و دروغ بودن این حدیث

---

(۱) مسند احمد: ۵/ ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۹۹ و ۴۰۳.

(۲) این نوشتار طی سلسله پژوهش‌های اعتقادی، از همین نگارنده و با نام «حدیث اقتداء به شیخین در ترازوی نقد» چاپ شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۶۸

تصریح نموده‌اند. «۱» امّا درباره حدیث ثقلینی که به جای کلمه «عترت»، «سنّت» به کار برده شده باشد، «۲» ما پژوهشی جداگانه انجام داده‌ایم که خوانندگان گرامی می‌توانند به آن پژوهش مراجعه نمایند. «۳»

تکذیب حدیث ... ص: ۶۸

بعد از ابطال چهار طریق گذشته، تنها راهی که برای بی‌اعتبار نمودن «حدیث ثقلین» باقی مانده است، طریق شیخ الاسلام!! اهل سنّت، جناب ابن تیمیّه است.

ابن تیمیّه می‌گوید: این حدیث (حدیث ثقلین) دروغ است! «۴»

---

(۱) برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: ۲/ ۵۶، صحیح تِرمذی: ۵/ ۵۷۲، کتاب الضعفاء الکبیر: ۴/ ۹۵، میزان الاعتدال: ۱/ ۱۰۵، ۱۴۱، ۱۴۲، لسان المیزان: ۱/ ۱۸۸، ۲۷۲ و ۵/ ۲۳۷، شرح المنهاج عبری فرغانی: مخطوط، تلخیص المستدرک: ۳/ ۷۵، مجمع الزّوائد: ۹/ ۵۳، الدّرّ النّضید من مجموعة الحفید: ۹۷، اسنی المطالب فی احادیث مختلفة المراتب: ۴۸، الفِصَل فی الملل والنحل: ۴/ ۸۸.

(۲) کنز العمّال: ۱/ ۱۷۲.

(۳) این نوشتار نیز به عنوان ششمین اثر در سلسله پژوهش‌های اعتقادی و با نام «دستبردی در حدیث ثقلین» چاپ شده است.

(۴) منهاج السّنّة النبویّه: ۷/ ۳۱۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۶۹

چه راه آسان و خوبی!

چرا اهل تسنّن از این راه با همه سهولتی که دارد غافل بوده‌اند؟

چرا با وجود چنین راهی، خود را در ایجاد تحریف در این حدیث به زحمت انداخته‌اند تا موجبات بدنامی و خیانت را برای خودشان فراهم کنند؟

چرا «حدیث ثقلین» را طرف معارضه با عبارتی موهوم و ساختگی به نام «حدیث اقتدا به شیخین» قرار داده‌اند؟

چرا ابن جوزی خود را در تضعیف رجال سند «حدیث ثقلین» به زحمت می‌اندازد تا بزرگان طائفه او را ردّ کرده و تخطئه کنند؟

پس بهترین راه آن است که حدیث ثقلین را تصدیق نکنند و ادّعا شود که سند معتبری برای گفتار پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله نیست، آن جا که فرمود:

...وعترتی أهل بیتی ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا.

...و خاندان و اهل بیتم، مادامی که به آن دو تمسّک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد.

چرا شیعه این قدر بر این حدیث پافشاری دارد و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام را به واسطه آن اثبات می‌کند؟

آری، شیوه ابن تیمیّه یا همان شیخ الاسلام آنان! همواره در

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۷۰

قبال احادیث امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام این گونه بوده و میان ابن تیمیّه و امثال او، و میان اهل بیت پیامبر علیهم السلام خداوند متعال خوب داوری است، و او بهترین داوران است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۷۳

کتاب نامه ... ص: ۷۳

۱. قرآن کریم.

«الف»

۲. احیاء المیت بفضائل أهل البیت: جلال الدین سیوطی، دار الثقلین، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۳. أُسد الغابه: ابوالحسن علی بن محمّد شیبانی معروف به ابن الاثیر، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

۴. أسنی المطالب فی أحادیث مختلفة المراتب: ابن درویش الحوت، مکتبه التجاریة الکبری، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۵۵.

۵. الإصابه: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۶. امالی المحاملی: حسین بن اسماعیل محاملی، دار ابن القیّم، اردن.

«ب»

۷. البدایهٔ والنهایه: حافظ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، دار احیاء التراث العربی ومؤسسهٔ التاریخ العربی، بیروت، لبنان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۷۴

«ت»

۸. التاریخ الصغیر: ابوعبداللَّه محمّد بن اسماعیل بخاری، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۹. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۰. تفسیر الخازن: علاء الدین خازن بغدادی، قاهره، مصر، سال ۱۳۲۹.

۱۱. التفسیر الکبیر: فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۱۲. تلخیص المستدرک: ذهبی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

«ج»

۱۳. جامع الأُصول: مبارک بن محمّد شیبانی معروف به ابن الاثیر، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۱۴. الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۰.

«د»

۱۵. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۲۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۷۵

۱۶. الدّرّ النّضید من مجموعهٔ الحفید: هروی شافعی، مطبعه التقدّم، مصر، چاپ اول، سال ۱۳۲۲.

«س»

۱۷. سمط النّجوم العوالی: عبدالملک عصامی مکّی.

۱۸. سنن الدارمی: دارمی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

۱۹. السیرهٔ الحلبیّه: علی بن برهان الدین حلبی، مکتبه التجاریهٔ الکبری، قاهره، مصر، سال ۱۳۸۲.

«ش»

۲۰. شرح المنهاج: عبری فرقانی، مخطوط، کتابخانه آیت اللَّه مرعشی نجفی به شماره ۲۷۷۸.

۲۱. شرح المواهب اللدنیّه: قسطلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۲۲. شواهد التنزیل: حافظ عبیداللَّه بن احمد، معروف به حاکم حسکانی، مجمع احیاء الثقافهٔ الاسلامیه، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

«ص»

۲۳. الصحاح: اسماعیل بن حمّاد جوهری، دار العلم ملایین، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۳۷۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۷۶

۲۴. صحیح بُخاری: ابوعبداللَّه محمّد بن اسماعیل بُخاری، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۲۵. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی ترمذی، دار الفکر، بیروت.

۲۶. صحیح مسلم: مسلم بن حجّاج قشیری نیشابوری، مؤسسه عز الدین، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۷.

۲۷. الصواعق المحرقه: ابن حجر هیتمی مکّی، مکتبهٔ القاهره، قاهره، مصر.

«ط»

۲۸. الطبقات الکبری: ابن سعد، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.

«ع»

۲۹. العلل المتناهیّهٔ فی الاحادیث الواهیّه: ابن جوزی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۳.

«ف»

۳۰. الفتاوی الفقهیّهٔ: ابن حجر مکی هیتمی.

۳۱. الفصل فی الأهواء والملل والنحل: ابن حزم اندلسی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۷۷

۳۲. فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: مَناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

«ق»

۳۳. القاموس المحیط: فیروزآبادی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۲.

«ک»

۳۴. کتاب السنّهٔ: ابن ابی عاصم.

۳۵. کتاب الضعفاء الکبیر: عقیلی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

۳۶. کشف الاستار عن زوائد البزّار: حافظ هیثمی.

۳۷. کنز العُمّال: متّقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۹.

«ل»

۳۸. لسان العرب: ابن منظور افریقی، بیروت، لبنان.

۳۹. لسان المیزان: ابن حجر، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۷۸

«م»

۴۰. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۴۱. مرقاهٔ المفاتیح: ملّا علی قاری هروی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان.

۴۲. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

۴۳. المسند: اسحاق بن راهویه.

۴۴. المسند: حافظ ابو یعلی احمد بن علی تمیمی موصلی، دار المأمون للتراث، دمشق.

۴۵. مسند احمد: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۴۶. مصابیح السنّه: بغوی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۰۷.

۴۷. المصنّف: ابن ابی شیبه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۴۸. المطالب العالیه: ابن حجر عسقلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۷۹

۴۹. المعجم الکبیر: سلیمان بن احمد لخمی طبرانی، دار احیاء التراث، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴.

۵۰. منتخب مسند عبد بن حمید: عبد بن حمید بن نصر کِسّی.

۵۱. منهاج السنّه النبویّه: ابن تیمیّه حرّانی، مکتبهٔ ابن تیمیّه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۵۲. میزان الإعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۶.

«ن»

۵۳. نوادر الاصول: ابوعبداللّه محمّد بن علی حکیم ترمذی، دار نور اسلامی، بیروت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌ثقلین، ص: ۸۰

(۱۰)

A Glance on Narration

of Two Great Things

)Hadith al -Thiqlayn(

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و … جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و…

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و …

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹